



# نابردہ رنچ



حدود شش سال پیش، زمانی که هم‌سن‌وسال شما بودم کمتر کسی با پدیده‌ای به نام روانشناسی موفقیت آشنا بود. اگر آن موقع در خیابان راه می‌رفتید و از مردم می‌پرسیدید «روانشناسی موفقیت چیست؟ احتمالاً بسیاری از آدم‌ها برای جواب دادن به شما تلفن همراهشان را از جیبشان بیرون می‌آوردند و در موتور جست‌وجوگر به دنبال پاسخی برای پرسش عجیب‌وغریب شما می‌گشتند! خوشبختانه یا متأسفانه در حال حاضر اگر از کسی بپرسید: «روانشناسی موفقیت چیست؟» کافی است یک‌لحظه شبکه‌های اجتماعی را نشانتان بدهد تا صدها آدم شیک‌پوش و اغلب به‌ظاهر پولدار! جلویان قدم علم کنند و برایتان صد و یک‌راه تا ثروتمند شدن را دیکته کنند. این دوستان عزیز معتقدند اگر فقط دو روز به حرف‌هایشان گوش بدهید و صفحه‌هایشان را دنبال کنید، بدون زحمت و خسته‌شدن قطعاً موفق خواهید شد و وقتی در خیابان راه می‌روید همه شما را با دست نشان می‌دهند و می‌گویند: «وای! ببینید اون چقدر پولدار و موفقه! کاش منم مثل اون باشم.»

البته کسانی هستند که خیلی بیشتر از من و شاید شما از شنیدن این جنس حرف‌ها حرص می‌خورند، خصوصاً وقتی واژه «روانشناسی موفقیت» را بالای صفحه این افراد می‌بینند؛ این عزیزان مظلوم که سال‌ها درس خوانده‌اند و هیچ‌وقت هم سخنرانی‌های شعارزده نداشته‌اند، کسانی نیستند جز روانشناسان واقعی. روانشناس‌ها به شما نمی‌گویند: «این کتاب پنجاه‌صفحه‌ای را بخوان تا زندگی‌ات متحول شود و یک‌شبه خوشبخت شوی!» آن‌ها ادعا نمی‌کنند «فقط با شش ماه» شرکت در کلاس‌های مشاوره‌شان به سرعت موفق خواهید شد! آن‌ها درمانگر و مشاوره‌دهنده هستند نه جادوگر!

حالا شاید برایتان سؤال پیش آمده باشد که خب من چرا دارم این حرف‌ها برای شما می‌زنم و این مطالب چه فایده‌ای برای شما دارد! دوستان! شما به‌عنوان کسانی که قرار است به‌زودی وارد بازار کار شوید یا شاید هم شده باشید، باید یک راه معقول و منطقی برای پول درآوردن بشناسید؛ راه به رفاه رسیدن کار و پس‌انداز و سرمایه‌گذاری‌های درست و منطقی. تا به حال کسی با یک پرش به کره ماه نرسیده است! مطمئن باشید با شش ماه شرکت در کلاس‌های کسانی که خوب حرف می‌زنند و لباس‌های گران‌قیمت می‌پوشند، موفقیت آغوشش را به روی شما باز نخواهد کرد. کار کردن، طولانی و گاهی اوقات سخت است اما فرمول زندگی همین است. کسب درآمد آن‌قدر آسان نیست که بتوانیم با خواندن یک کتاب پنجاه‌صفحه‌ای که تازه منبع درست و نویسنده باسوادی هم ندارد به آن برسیم.

درست است که تکرار کردن جملات مثبت به ما کمک می‌کند، در ذهنمان چراغ انگیزه و امید را می‌افروزد، اما به این معنا نیست که ما را از تلاش بی‌وقفه بی‌نیاز می‌کند. با کمک جملات، فیلم‌ها و سخنرانی‌های انگیزشی که مؤلف آن‌ها معتبر هستند می‌توانیم، انرژی مان را جمع کنیم تا با قدرت کار و تلاش کنیم. تصور نکنید شنیدن سخنرانی‌های به‌ظاهر انگیزشی و شعارزده کلید رسیدن به گنجینه شادی و خوشبختی است.

سال‌ها قبل من هم دوستی داشتم که کارش شبیه به همین «مشاوران دروغین خوشبختی» بود. او اصرار داشت اگر دو ماه در کنار او کار کنم از این ماشین‌هایی که شبیه به سفینه هستند خواهم خرید و ثروتمند می‌شوم! علاوه بر این‌ها به من قول داد اگر دو نفر از دوستانم را هم به آن‌جا ببرم و تعداد کارمندان آن شرکت را بیشتر کنم، در کمتر از یک‌سال خودم رئیس خواهم شد و حقوقم بالای فلان میلیون می‌رود و...! تقریباً روزی دو بار تماس می‌گرفت و تلاش می‌کرد مرا به‌زور خوشبخت کند!

حدود دو سال از آن ماجرا می‌گذرد و نه دوست من ماشین گران‌قیمتی خریده است نه دیگر کسی از دوستانش جواب تلفن‌هایش را می‌دهد!

دوستان! مسیر رسیدن به شغل و خانه و ماشین خوب، در لباس‌های پرزرق‌وبرق و اتاق‌های تجملی اداری نیست. حداقل برای من و شمایی که اول کار هستید و تازه می‌خواهیم راه بیفتیم، مسیر درست این شکل و ظاهر را ندارد. راه رفاه و آسایش، در همان لباس‌های خاکی کارگاه و خورده پارچه‌های باقی‌مانده از خیاطی و خاک زمین کشاورزی و خواندن و دیدن و شنیدن محتوای مفید است. اگر روزی کسی به سراغتان آمد و گفت که راه میانبر آسایش و ثروت را پیدا کرده است، سعی کنید با بیشترین سرعت ممکن، فقط فرار کنید و از او دور شوید؛ مسیر موفقیت پر پیچ و خم است، نه میانبر.

